

یکی از دوستان مشترک گروه به عنوان بیسیست به آنانما پیوست، اما او عضو دائمی گروه نیست و تنها در اجراهای زنده گروه را همراهی می‌کند و تاکنون نیز هیچ عوض دائمی به گروه نیوسته است.

در مارس ۲۰۰۲، دنی کاولانگ گیتاریست برجسته گروه جدایی خود از آنانما را اعلام کرد و به گروه بیسیست سابق آنانما دانکن پترسون بانام Anti-Matter پیوست.

واکنش هیچ خبر تازه‌یی مبنی برماندن اعضای سابق آنانما در این گروه، در آینده، منتشر نشده است.

#### Discography

1. Serenades 1993
2. The Silence Enigma 1995
3. Eternity 1996
4. Alternative 4 1998
5. Judgement 1999
6. A Fine Day to Exit 2001



امروز، تنها این گروه لیورپولی است. گروه در همان سال به فستیوال دینامو رفت، مارتین پاول کی‌بورنواز گروه به Cradle of Filth پیوست و کی‌بورنواز Cradle of Filth بانام Les Smith پس اسمیت به آنانما آمد و در تور با گروه همکاری کرد. قبل از آن‌که ششمین آلبوم بلند گروه باعنوان A Fine Day to Exit به بازار بیاید. دیو پیبوس Dave Paybus بیسیست گروه به دلایل شخصی گروه را ترک کرد و به Cradle of Filth پیوست.

سپس آلبوم A Fine Day to Exit در اول اکتبر سال ۲۰۰۱ به تهیه‌کنندگی نیک گریفیث Nick Griffith به بازار آمد. این آلبوم نشان داد که گروه برخی از خاستگاه‌های موسیقی کشور خود را به تسخیر درآورده است، بی‌آن‌که فضای سحرآمیز و سطوح احساسی خود را از دست بدهد. جورج رابرتز

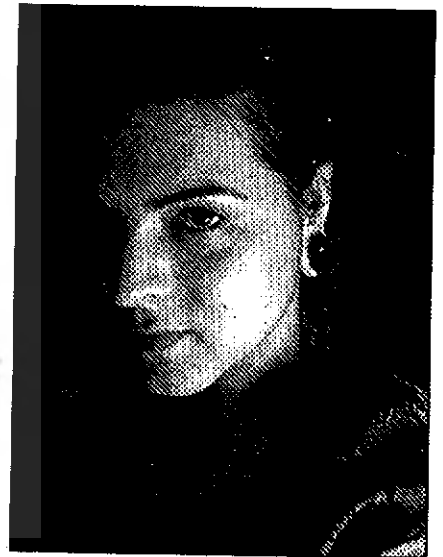
مجدد جان داگلاس درام نواز گروه بود. آن‌ها در سال ۱۹۹۹ با شرکت Music For Nation قرارداد جدیدی امضا کردند. سپس به ایتالیا رفتند تا به تهیه‌کنندگی Kit Voolven شاهکار موسیقی خود یعنی آلبوم Judgement را ضبط کنند.

ضبط این آلبوم سه ماه طول کشید و در فرایند ضبط تمام اخباری که از این آلبوم به گوش می‌رسید که همه بیانگر پدید آمدن یک شاهکار توسط گروه بود. آلبوم Judgement در ۱۶ جون ۱۹۹۹ به بازار آمد و مورد تحسین منتقدان و طرفداران گروه قرار گرفت.

بسیاری آن را روحانی و الهام‌بخش خواندند، این آلبوم از طرف ۲۰ مجله معتبر موسیقی در سراسر جهان به عنوان «آلبوم ماه» برگزیده شد. پس از انتشار این آلبوم بود که همگان در سراسر جهان اذعان داشتند طلابه‌دار موسیقی راک

## هرگز به عقب نگاه نکن

گفت‌وگو با وینی کاولانگ، خواننده و گیتاریست و لیس اسمیت، کی‌بورنواز پس از انتشار آخرین آلبوم بلند استودیویی گروه بانام A Fine Day to Exit



بسیار عالی بود.

بمنظر من، ما خیلی نسبت به گذشته بزرگتر شده‌ایم و کلیه طرفداران مان که همراه ما بوده‌اند نیز از آن زمان تاکنون مانند گروه رشد کرده‌اند.

افراد زیادی هستند که به ما می‌گویند: «ما از روزهای نخست حیات گروه به دنبال موسیقی‌تان بوده‌ایم و اکنون کارهای جدید گروه را نیز دوست داریم».

چطور شما آلبوم آخرتان را تنها در یک کلمه شرح می‌دهید؟

وینی: فکر می‌کنم اون یک کلمه... [مکت] ...خواهم

نسبت به تفهیر مسیر گروه واکنش نشان دهند؟ وینی: آیا واقعاً تغییر مسیری اتفاق افتاده است؟ من نمی‌دانم، فکر نمی‌کنم کار درستی باشد تا این آلبوم جدید را با آلبوم‌های قبلی مقایسه کنیم. برای این‌که آن‌ها هرکدام سبک و سیاق خود را دارند و معتقدم که هرکدام از آن‌ها واقعاً با دیگری متفاوت‌اند.

گروه سه اجرای زنده در کشورهای بلژیک، مجارستان و امریکا داشت که افراد زیادی برای دیدن آن آمده بودند. از آن‌ها پرسیدیم که آیا دوست دارند تا کارهای جدید را برای‌شان اجرا کنیم. و آن‌ها پاسخ دادند «بله» و به نظر من این موضوع

اکنون آلبوم جدید شما ضبط شده و به بازار آمده است، چه احساسی دارید؟

وینی: حال خوبی دارم زیرا آلبوم به‌طور کامل ضبط شده و پایان یافته و همین‌طور طراحی روی جلد آن نیز به خوبی انجام شده است. حالا می‌توانم به عقب بنگرم و با خود بگویم: «خب، اینم تمام شد» حالا ما می‌توانیم به جلوتر حرکت کنیم و کارهای جدید دیگری انجام دهیم. من واقعاً برای این آلبوم خوشحالم، تمام این آهنگ‌ها را دوست دارم و علاقمندم تا آن‌ها را به صورت زنده اجرا کنم. چگونه می‌اندیشید، اگر طرفداران قدیمی شما،



گفت تقریباً.

تفاوت‌های اساسی بین آلبوم Judgement و A Fine

Day to Exit چیست؟

وینی: من هیچ تفاوت اساسی نمی‌بینم. من هر دو را دوست دارم. اما خوب، البته می‌دانم که تفاوت وجود دارد. من تنها نمی‌خواهم آن‌ها را مقایسه کنم. من فکر می‌کنم Judgement همانی است که باید باشد و این یکی نیز همانی که باید باشد.

من واقعا از پیترفت آگاه نیستم، ما فقط ادامه می‌دهیم و ادامه می‌دهیم و به‌سوی جلو حرکت می‌کنیم و هرگز به عقب نگاه نمی‌کنیم.

این اشعار درباره‌ی چه هستند؟ آیا آن‌ها به همان روش آلبوم Judgement هستند؟

وینی: بله و نه. اکنون سه نفر هستند که این اشعار را می‌نویسند. من، تنی و جان. اشعار تنی بسیار شخصی‌اند. آن‌ها بسیار عمیق و احساسی‌اند. مربوط به احساسات درونی خودش هستند که اکنون من تصور می‌کنم خیلی مثبت‌تر از گذشته شده‌اند. آن‌ها به حالت‌های بد و مشکلاتی که ذهن خراب آدمی با آن‌ها سروکار دارد، بستگی دارند. چیزهایی که ممکن است نتوانید در حالت‌های عادی آن‌ها را به زبان بیاورید.

اشعار او همچنین به عشق و برخی تجربه‌های فردی انسان برای تبدیل امور منفی به مثبت نیز مربوط‌اند. اما اشعار جان را هیچ‌کس نمی‌تواند بخواند. آن‌ها همگی آستره هستند و برای افرادی که نمی‌توانند تشخیص دهند که آن‌ها راجع به چه هستند، عجیب‌اند. آن‌ها می‌توانند درباره‌ی همه چیز و هیچ‌چیز باشند، آن‌ها می‌توانند درباره‌ی چیزی خیلی عمیق باشند، که جان هرگز آن‌ها را در زندگی واقعی خود بیان نخواهد کرد.

اشعار من درباره‌ی نیاز به فرار از وضعیت‌های متفاوت هستند، نمی‌دانم به کجا، اما آن‌ها تنها آنی و زودگذرند.

داشتن فرصتی که زمان در اختیارمان قرار داده تا زندگی کنیم، توافقی احمقانه است که هرگز نمی‌توانیم آن را درک کنیم. منظورم این است که اگر این تنها شانس است که اکنون نصیب‌مان شده پس خودت را توجیه کن، چشمانت را باز کن، اون لعنتی‌ها را بازنگه دار، به آن‌چه می‌خوانی، می‌بینی یا می‌شنوی اعتماد نکن. بیان‌دیش، سعی کن تا احساسات و شعور خود را بنا کنی. احساس خودت را نسبت به همه چیز جست‌وجو کن و تنها از راه

خودت پیروی کن. آن‌چه لازم داری تا انجام دهی را بیاب.

افراد زیادی وجود دارند که برای ترک کردن یا خارج شدن از وضعیت‌های مختلف از قبیل اوضاع سیاسی یا وضعیت‌های هراسناک زمان ندارند، محصور شده‌اند و نمی‌توانند از آن خارج شوند. آناتما با این آلبوم جدید خود می‌گوید یک روز خوب برای خارج شدن وجود دارد و سعی دارد تمام آن‌چه در گذشته بوده است را پشت سرگذارد و دوباره آغاز کند.

این اشعار یک چیز کاملاً تازه است، مردم درباره‌ی آن صحبت می‌کنند و به طرح روی جلد آن می‌نگرند، عنوان آن را می‌بینند، یک روز خوب برای خروج و می‌پرسند، «آیا این یک خودکشی است؟» من پاسخ می‌دهم که نه، خودکشی نیست. تنها تظاهر به خودکشی است. درباره‌ی یک تولد مجدد است. یک شروع دوباره شروع یک زندگی کاملاً جدید.

آلبوم جدیدتان چیزی بین متال گوتیک و ایندیه راک است. شما نسبت به کدام یک احساس نزدیکی بیشتری می‌کنید؟

وینی: به هیچ یک از آن دو. صادقانه بگویم، هیچ کدام. احتمالاً مستظور شما از ایندیه راک Radiohead است و اگر از من بپرسید که من از بین Fields of The Cure, Sister of Mercy و Nephilim, Radiohead و Jeff Buckley کدام را بیشتر دوست دارم، خواهم گفت Radiohead و Jeff Buckley.

به دلیل این‌که این دو گروه الهام‌بخش‌اند و کار

موسیقی اصیل خود را انجام می‌دهند، من آن‌ها را دوست دارم، اما به این نوع موسیقی علاقه ندارم. و همین‌طور متال گوتیک را به خاطر تمایلات آن، لباس پوشیدن‌شان، آرایش‌هاشان دوست ندارم. «من باید چه کاری انجام دهم؟ من چه هستم؟ من نمی‌دانم چه هستم؟»

تأثیرات جف باکلی در آلبوم آخر شما بسیار واضح است، حتی قسمتی از آوازخواندن شما به کارهای او بسیار نزدیک است. اما به‌هرجهت من فکر می‌کنم حضور آناتما کاملاً محسوس است و تمام کارها با جف باکلی و ویدیو هد تفاوت زیادی دارد، درباره‌ی آن چه می‌گویند؟

وینی: بله، من موافقم. جف باکلی اصلی‌ترین تأثیر را به‌عنوان یک خواننده بر من داشته است. او خواننده‌ی مورد علاقه‌ی من بین تمام خواننده‌های بزرگ است. مردم، روی هارپر، آرتا فرانکلین، تام یورک، کریس کورنل و خوانندگان بسیار دیگری را دوست دارند. من فکر می‌کنم تملق و چاپلوسی زیادی است که مرا با جف باکلی مقایسه کنند، اما به‌رحال من جف باکلی نیستم. به نظر من همه چیز یافتن صدای خودتان است. من فکر نمی‌کنم این کار را در این آلبوم یا آلبوم قبلی انجام داده باشم. من فکر می‌کنم به این موضوع با هر آلبوم نزدیک‌تر شده‌ام.

آیا عنوان آلبوم جدید، این معنی را می‌دهد که آناتما به پایان رسیده است؟

یس: بله، دقیقاً.

وینی: ما می‌خواستیم این را بگوییم اما شما آن را کشف کنید.

ایده طرح روی جلد از کجا می‌آید؟

وینی: طرح روی جلد آلبوم جدید را از عنوان آن برگرفته‌اند.

آیامی توانید کمی بیشتر درباره آن صحبت کنید؟

وینی: در مرحله میکس آلبوم، ما همگی راجع به طرح روی جلد CD فکر می‌کردیم، ما همگی چیزی را می‌خواستیم که هم برای گروه و هم برای هنرمند که می‌خواهد آن را طراحی کند Travie Smith متفاوت باشد.

من و لس درباره طرح روی جلد، هرکجا که می‌توانستیم صحبت می‌کردیم. یک روز لس به من گفت: «درباره این که شخصی در حال تظاهر به خودکشی در ساحل است، چی فکر می‌کنی؟» این حرف مانند یک جرعه بود که پس از آن هر یک از ما برای تکمیل آن، نظر خود را می‌گفتیم. اگر شما به آن نگاه کنید، می‌توانید شخصی را تصور کنید، تازه بیدار شده، ۲۰ سال کارهای کثیفی انجام داده و تشخیص نداده چه کارها کرده است. او فقط به دروغ‌ها گوش داده است و تمام زندگی‌اش را به گفتن حرف‌های کثیف گذرانده. سپس در نیمه‌های شب بیدار شده و شروع به راندن در جاده کرده است. در راد دوران کودکی خود را که خوشحال بوده به خاطر می‌آورد و زمانی که خوشحال می‌زیسته برایش تداعی می‌شود و به تدریج عصبی می‌شود. او نمی‌داند که می‌خواهد خود را بکشد یا نه. از این که چه کاری انجام دهد، شگفت‌زده است. ساعت ۵ صبح به ساحل می‌رسد، کنار ساحل می‌نشیند و شروع می‌کند به فکر کردن و با خود می‌گوید: «لعنت به آن‌ها، لعنت به همه آن‌ها، من همه آن‌ها را پشت سرم ترک کرده‌ام، چیز تازه‌یی شروع خواهم کرد - آغاز یک زندگی تازه، مانند یک تولد دوباره.» یک تفکر کلی است که پشت طراحی روی جلد CD وجود دارد. اما واقعاً مطمئن هستم افراد زیادی قادر نخواهند بود که این چیزها را از آن بخوانند.

چه اتفاقی برای دیو Dave افتاد؟ آیا شما می‌توانید کمی بیشتر درباره مقصد او برای مان بگویید؟

وینی: آمدنش به سر تمرین‌ها را متوقف کرد، بنابراین زیاد در این آلبوم حاضر نبود ما نیز نمی‌خواستیم احساس کنیم که او زیاد در آلبوم حضور دارد. سپس ما آلبوم را به پایان رساندیم، او نیز در آن بیس Bass نواخت، ولی روزهای کمی این‌جا بود، بعد از آن نیز همراه گروه به تور آمد و سپس گفت که نمی‌خواهد در موسیقی‌های پرسروصداتر شرکت داشته باشد و به Cradle of

Filth پیوست.

آیا کسی را پیدا کرده‌اید تا جایگزین او شود؟

وینی: ما هنوز به دنبال کسی برای جایگزینی او نگشته‌ایم و هنوز هم قصدش را نداریم. ما سه قطعه از کارهای مان را با یکی از دوستان مان که اهل لیورپول و گیتاریست خوبی است اجرا کرده‌ایم. او تاکنون بیس نواخته بود اما اکنون او می‌تواند در تمام مجموعه این کار را به خوبی انجام دهد. او در هفته ۱۶ آهنگ یاد می‌گیرد و واقعاً کار خودش را خوب انجام داده و همه ما از آن راضی هستیم. بنابراین در حال حاضر گروه به دنبال یک بیسیست جدید نیست، زیرا احتیاج به یک آهنگساز دیگر نداریم تا زمانی که به یک آدم خوب و مناسب برخوریم.

راجع به دانکن Duncan چطور؟

وینی: دانکن در حال حاضر در گروه خودش Antimatter سرگرم است.

لس: دانکن این نوع موسیقی را نمی‌خواست.

وینی: بله، او دیگر این نوع موسیقی را دوست نداشت.

لس: یکی از دلایلی که دانکن گروه را ترک کرد همین موضوع بود. او خیلی به موسیقی راک علاقمند نیست. او تنها می‌خواست مستقل باشد و این نوع موسیقی را هم نمی‌خواست.

وینی: او از آناتما جدا شد و اکنون آزادی بیشتری دارد. هم این‌که او اکنون شخصیت خوشحال‌تر است هم برای دانکن و هم برای ما موضوع بسیار خوبی است. او آن‌چه را نیاز داشته به دست آورده و من آرزو می‌کنم که واقعاً در آینده موفق باشد و هر چیزی که می‌خواهد به دست آورد زیرا شایستگی‌اش را دارد.

وینی: آیا تاکنون به Antimatter گوش داده‌ی؟

وینی: یک یا دو بار. بین کارهای آن‌هاست، برخی از آهنگ‌ها بسیار خوب‌اند.

تقریباً تمام آلبوم شما در اینترنت قابل دسترسی است. بسیاری از طرفداران شما آن را از اینترنت می‌گیرند، اگر ۹۰ درصد آن‌ها تصمیع داشته باشند، زمانی که به بازار آمد آن را تهیه کنند، خوب، به‌طور قابل ملاحظه‌یی از تعداد آن‌ها کاسته می‌شود. نظر شما راجع به سهم شدن موسیقی در اینترنت چیست؟

وینی: اصلاً چیز خوبی برای گروه‌هایی در موقعیت ما نیست چون فروش CDها را تحت تأثیر قرار دهد.

اما برای گروه‌هایی نظیر Metallica، نگرانی درباره برای فروش معنی ندارد. من فکر می‌کنم این موضوع تنها برای گروه‌های تازه‌کار چیز خوبی است.

لس: من تصور می‌کنم این موضوع تبلیغ خوبی برای گروه‌ها باشد اما مورد بسیار زبان‌آوری برای شرکت‌های صفحه‌پرکنی است. و اگر این موضوع فروش CDها را متأثر کند، صنعت موسیقی خرد خواهد شد.

آیا فکر می‌کنید این موضوع برای گروه‌ها نیز زبان‌آور خواهد بود؟

لس: نه، من فکر نمی‌کنم این موضوع زبانی برای گروه‌ها داشته باشد، برعکس، تصور می‌کنم، یک تبلیغ برای آن‌هاست.

وینی: بله، شما اشعار را می‌خواهید، طرح روی جلد CD را می‌خواهید. شما تمام مجموعه مربوط به CD را می‌خواهید. بنابراین بابت خرید آن پول می‌پردازید تا آن را داشته باشید.

لس: اگر شما یک CD را نخرید، آن را از اینترنت می‌گیرید و هرچند تا کبی که بخواهید از آن تهیه می‌کنید، فکر می‌کنم که کل صنعت موسیقی دچار اضمحلال و سقوط شود و هیچ‌کس نمی‌تواند صفحه‌یی منتشر کند. اما از جهت دیگر اگر به آن نگاه کنیم، بمنظرم عالی است زیرا دیگر شرکت‌های صفحه پرکنی وجود نخواهند داشت، هرچه هست، گروه‌های موسیقی‌اند و این عالی‌ست.

وینی: درسته، عالی‌ه.

طرفداران بسیاری از آناتما هستند که من می‌دانم زمانی که به موسیقی شما گوش می‌دهند، گریه می‌کنند، نظرتان راجع به این موضوع چیست؟ آیا این موضوع شرم‌آور است یا این‌که به آن افتخار می‌کنید؟

لس: من مناسفم، اما می‌دانم که این موضوع به دلایل گوناگون اتفاق می‌افتد.

وینی: من یادیدن برخی از این صحنه‌ها دچار شوک روحی می‌شوم. روزی را به خاطر می‌آورم که من و دنی بر روی صحنه بودیم، ناگهان درها بیش از موعد ما باز شد، جمعیت فراوانی برای دیدن ما آمدند، در این بین شخصی مرا به سختی گرفت، من سعی داشتم از این وضعیت خارج شوم، ناگهان صورت او را دیدم و متوجه شدم که او واقعاً در حال گریه کردن است و اشک تمام چهره‌اش را پوشانده است. من واقعاً این وضعیت را دوست ندارم. اما اگر واقعاً موسیقی کسی را لمس کند، اگر شما را حرکت دهد، واقعاً عالی است. موسیقی این کار را انجام

می‌دهد، شما را در موقعیت‌های مختلف حرکت می‌دهد و به لذت و خوشی بی‌نهایت رهنمون می‌سازد.

لس: می‌دانید، اگر موسیقی افراد را لمس کند، بسیار عالی است اما من دوست ندارم مردم بیش از اندازه واکنش نشان دهند، مثل پرستیدن یک گروه.

وینی: بله، موافقم، واقعاً کار زندگانه.

لس: می‌دانید اگر جیمی پیچ با جیمی هندریکس، این‌جا بیایند، به‌طور حتم من برای دیدن‌شان خواهیم رفت. آن‌ها همگی آهنگسازان و نوازندگان برجسته‌یی هستند اما من فکر نمی‌کنم که کار جالبی باشد تا بخواهیم کسی را پرستش کنیم، چیز خوبی است که یک گروه را دوست داشته باشیم، اما من از واکنش نشان دادن بیش از اندازه بیزارم.

نظراتان راجع به قطعات انتخاب شده برای آلبوم Resonance چیست؟

وینی: وقتی که ما خواستیم تمام کارهای قدیمی را در یک CD قرار دهیم، متوجه شدیم که کارهای زیادی به صورت آکوستیک وجود دارند همین‌طور قطعات دوباره اجراشده‌یی مانند Like Better of Dead یا...

لس: آیا شماها یک قطعه از Slayer را نیز اجرا کردید؟

وینی: بله، ما این کار را اجرا کرده‌ایم. لس: کدام قطعه را؟

وینی: Read Between the Lies. لس: و دو اجرا از کارهای Pink Floyd؟

وینی: بله، دو تا از اجراهای آن‌ها. بنابراین ما می‌خواستیم تا توازنی در CD داشته باشیم اما کارهای زیادی وجود داشتند. بنابراین کارهای آکوستیک را در یک CD جای دادیم و کارهای سنگین و خشن‌تر را در یک CD دیگر.

لس: می‌دانید که قراره دو تا CD باعنوان Resonance به بازار بیاید.

این دو CD توسط Peaceville Records منتشر می‌شوند نه به وسیله MFN (Music For Nation)، درست است؟

وینی: بله، Peaceville منتشر می‌کند.

لس: می‌دانید من می‌خواستم بگویم که انتشار این دو CD باید اتفاق می‌افتاد، ما هیچ انتخابی نداشتیم. این کار توسط کمپانی Peaceville قبلاً انجام شده بود.

وینی: آن‌ها قبل از این‌که این کار را انجام دهند،

نظرها را پرسیدند و ما گفتیم: «نه» زیرا صادقانه بگویم هیچ ارزش هنری پشت آن‌ها قرار ندارد. می‌دانم که منظورم را می‌فهمید.

من مصاحبه‌یی با دنی را خواندم که گفته بود، گروه تصمیم گرفته یک آلبوم آکوستیک را در پاییز ۲۰۰۱ منتشر کند، ممکن است کمی درباره آن بگویید؟

وینی: بله، این که گروه یک آلبوم آکوستیک منتشر کند از ایده‌های ما بوده اما هرگز به یک آلبوم کامل آکوستیک نرسیدیم. ما به هر حال به‌خاطر وضعیت قرار دادمان بهتر است تمام انرژی خود را برای ضبط یک آلبوم کامل به کار بندیم. من مطمئن نیستم ساخت یک آلبوم آکوستیک با آوازهای قدیمی و چند آهنگ جدید، کار خیلی جالبی باشد، برای ما بهتر این است که یک کار جدید ضبط کنیم.

اگر روزی آناتما پایان بیابد شما به چه کاری خواهید پرداخت؟ آیا همچنان به نواختن موسیقی ادامه می‌دهید؟

وینی: البته، البته. می‌دانم که در موسیقی باقی خواهیم ماند و به آن را ادامه خواهیم داد. به هر جهت این از تأثیرات موسیقی است و کسی که گرفتار آن می‌شود. اما برای این لحظه ما اصلاً تصمیم به جدایی نداریم، اما در پاسخ به سؤال شما باید بگویم بله، ما همگی افرادی هستیم که سال‌ها در موسیقی بوده‌ایم و آن را ترک نخواهیم کرد.

لس: ما ۱۰ سال است که با موسیقی هستیم و با جان و دل به این کار پرداخته‌ایم. در این راه تنها تلاش و کوشش لازم است. اکنون ما کار دیگری نمی‌توانیم انجام دهیم، حتی اگر از یکدیگر جدا

شویم، در گروه‌های دیگر به کار موسیقی خواهیم پرداخت.

لس: آیا تو تصمیم داری در آلبوم بعدی Antimatter بنوازی؟

وینی: بله، شاید، اگر دانکن از من بخواهد. شما می‌دانید که دانکن یک دوست خوب است و من همیشه به او و کارهایش احترام می‌گذارم. بنابراین باید بگویم، بله.

آیا تو، جموی تازه‌یی که دانکن ساخته است را شنیده‌یی؟

لس: یک کار جدید؟

وینی: بله، به‌عنوان آلبوم نخست، برای یک گروه تازه‌کار نیز آلبوم خوبی بود و می‌دانم که بهتر هم خواهد شد.

چه توصیه‌یی برای کسی که تا حالا، آناتما گوش نداده است و اکنون به آلبوم آخر شما گوش می‌کند، دارید؟ و همین‌طور برای یک طرفدار قدیمی گروه؟

وینی: من تنها می‌گویم، آن را برای آن‌چه هست گوش دهید. و امیدوارم که آن را دوست داشته باشید. من به همه می‌گویم، آناتما راه خود را می‌رود.

وکلمات آخر؟

لس: این، من نبودم (می‌خندد)

وینی: نه... (می‌خندد)



کنترل از دست رفته

یک روز خوب برای خارج شدن

زندگی یک بار دیگر به من خیانت کرده است

من می‌پذیرم که برخی چیزها هرگز تغییر نخواهند کرد

من اجازه می‌دهم تا ذهن ناچیزم، دردهایم را بزرگتر نشان دهد.

و آن نیز مرا تنها با یک واکنش شیمیایی در قوه عقلانیت‌ام ترک کرده است

آری، من در حال سقوطم... چه قدر دیگر مانده تا به زمین برخورد کنم؟

نمی‌توانم به تو بگویم که چرا خرد شده‌ام

آیا تو تعجب می‌کنی که چرا من تنهایی‌ام را ترجیح می‌دهم؟

آیا من واقعاً کنترل‌م را از دست داده‌ام

من به سوی یک پایان در حرکت‌ام

من درک کرده‌ام آن چه را بایستی انجام می‌دادم را درک کرده‌ام

نمی‌توانم بخواهم، بنابراین نفس می‌کشیم پشت قوی‌ترین ماسک پنهان

می‌شوم

من اقرار می‌کنم که کنترل‌ام را از دست داده‌ام.

ترانه: Alternative4 1988

پوشش دروغین

ما تنها یک لحظه در زمان هستیم

تنها یک چشم برهم زدن

رویایی برای یک نابینا

منظوری از یک ذهن

من امیدوارم که تو آن را درک نکنی؟

ترانه: Alternative4 1988

داوری

بی‌عدالتی تقدیر

دردهای عشق و نفرت

خاطراتی که درد را به قلب آدمی می‌آورد

که تو را تا زانوانت خم می‌کند

زمانی که ما جوان بودیم

زمانی که زندگی به نظر طولانی می‌رسید

اکنون تو مرا در تنهایی ترک کرده‌ی

جایی که همه چیز به اشتباه بدل شد

روزی پس از روز دیگر

تو تمام آن‌ها را سوزاندی

و آن بسیار دیر است

تمام نفرتی که نیازهای تو از آن تغذیه می‌کند

تمام بیماری که تو آن را درک می‌کنی

تمام وحشتی که تو آن را خلق کردی

تو را تا زانوانت خم می‌کند.

ترانه: Judgement 1999

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

